گزارش

او باوری سترگ به توانمندی ایرانیان داشت

اسماعیل آذر: مرحوم اسلامی ندوشن در پهنه زبان و ادبیات فارسی و ترجمه صاحب سبک، ذوق و هنر است و صفت بزرگی داشت و آن ایران‌دوستی او بود

محمدعلی اسلامی ندوشن از جمله پرکارترین ادبا و محققان معاصر ایران روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ در سن ۹۷ سالگی دیده از جهان فروبست. مردی که علاوه بر تألیف کتب متعدد به ترجمه آثار غیر ایرانی به زبان فارسی از جمله آثاری درباره ادبیات و فرهنگ ایران پرداخته است. از وی بیش از ۱۷۰ اثر تألیف و ترجمه شده و صدها مقاله باقی مانده است.

■■■

درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن واکنش‌های زیادی را در میان اهل ادب و فرهنگ ایرانی برانگیخته است چرا که وی به عنوان یکی از خادمان به زبان و ادبیات فارسی در دوران معاصر شناخته می‌شود. ایران دوستی و عشق به وطن در همه آثار ندوشن خود را نشان می‌دهد. او پیش از انقلاب اسلامی درباره عظمت ایران نوشته است: «من در قعر ضمیر خود احساسی دارم و آن اینکه رسالت ایران به پایان نرسیده است و شکوه و خرمی او باز خواهد گشت. من یقین دارم که ایران می‌تواند قد راست کند و آنگونه که در خور فرهنگ، تمدن و سالخوردگی اوست نکته‌های بسیاری به جهان بیاموزد.»

■خدمتی که او به فارسی زبانان کرد

اسماعیل آذر با اشاره به خدمات زنده‌یاد اسلامی ندوشن به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی، «ایران‌دوستی» را مهم‌ترین ویژگی او می‌داند.

به گزارش تسنیم، این استاد دانشگاه، با اشاره به ارزش کار و سبک زندگی زنده‌یاد اسلامی ندوشن به این نکته اشاره می‌کند که او از شخصیت‌های علمی بود که در چندین زمینه آثاری از خود به جای گذاشته و در همه آنها، موفق بوده است. قبل از آنکه به جزئیات بپردازیم، نکته‌ای راجع به نثر این شخصیت می‌گویم. نثر زنده‌یاد اسلامی ندوشن نثری ممتاز به حساب می‌آید و به تحقیق در کنار نثرنویسان خوب معاصر مانند علی دشتی، استاد زرین‌کوب و... قرار می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان بسیاری از موفقیت‌های او را مرهون همین قلم پر استحکام دانست؛ بنابراین اولین سخن اینکه نثر اسلامی ندوشن در ادبیات معاصر ما یکی از نثرهای درجه یک به حساب می‌آید.

■صفت بزرگ اسلامی ندوشن

آذر ادامه داد: او در پهنه زبان و ادبیات فارسی و ترجمه صاحب سبک و صاحب ذوق و هنر است. این شخصیت صفت بزرگی داشت و آن ایران‌دوستی بود. زنده‌یاد اسلامی ندوشن در آثارش علاقه وافری به ایران، فرهنگ و ادبیات ایرانی و سرزمین ایران بروز می‌داد. اسلامی کتاب‌های فراوانی نوشته است، از خاطره‌نویسی گرفته تا درباره حکیم توس، مولانا جلال‌الدین بلخی و موارد دیگر. او در همه آثار نگاه به ایران را از دست نداده و همه جا، سرزمین ایران مقابل چشم اوست.

■نگاه متفاوت به فردوسی و مولوی

آذر به دیدگاه زنده‌یاد اسلامی ندوشن به برخی از آثار درخشان ادبیات فارسی اشاره کرده و یادآور می‌شود: مطالبی که از حکیم توس نوشته، مطالبی است که به عنوان یک مأخذ مورد استفاده دانشجویان و استادان قرار می‌گیرد. او همچنین مطالبی درباره مثنوی نوشته است و مثنوی را هم نوعی حماسه تلقی کرده و معتقد است، فردوسی و شاهنامه، حماسه قبل اسلام است و مثنوی، حماسه بعد از اسلام. حتی مولوی را به انواع گوناگون ستوده و پیرامون ضرورتش مطالب فراوانی را عرضه داشته است؛ بنابراین آثار او درباره فردوسی و مولوی در حقیقت، آثار دو حماسه است؛ حماسه پیش از اسلام و حماسه پس از اسلام.

آذر با بیان اینکه دیگر هنر اسلامی ندوشن «شعر» است، ادامه داد: اسلامی جزو پیشروان شعر نو فارسی است، شعرهای او دارای ساختار معینی است و موضوعی را روایت می‌کند. او در بسیاری از موارد ذوق خود را به کار گرفته و در همه آنها، خاصه در شعر فارسی موفق شده است به طوری که او به عنوان یک شاعر هم شناخته می‌شود.

■وجه قدرتمند در ترجمه آثار

آذر با بیان اینکه وجه قدرتمند دیگر اسلامی ندوشن، ترجمه اوست، افزود: او زبان فرانسوی و انگلیسی را بسیار خوب می‌دانست و به زبان انگلیسی کهن، یعنی زبان شکسپیر و ویلفرد چاسر، پدر شعر انگلیس، تسلط خوبی داشت. ما وقتی قطعاتی از مجموعه آثار شکسپیر را با ترجمه او می‌خوانیم، می‌بینیم که ترجمه او در حد کمال است.

به گفته آذر، ترجمه اسلامی ندوشن بسیار شسته و رفته و پاکیزه و قابل فهم برای همگان است. خیلی از شاعران برای اولین‌بار به کوشش او به جامعه فارسی‌زبانان معرفی شدند، از آثاری از شارل بودلر و ویلیام بلیک گرفته تا قطعاتی از ایمیلی برونته، امیلی دیکنسون و حتی شاعران ناشناخته مجارستانی.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه اسلامی ندوشن بسیار شخص خوش‌مشربی بود، کم سخن می‌گفت، اما حرف‌های درستی ارائه می‌داد، به سابقه آشنایی خود با او اشاره و اضافه کرد: من با مرحوم اسلامی ندوشن دوستی مختصری داشتم و در بسیاری از ضیافت‌های علمی درباره مسائل روز با یکدیگر صحبت داشتیم. حتی در رساله دکتری دانشجویان گاهی ایشان استاد راهنما بودند و من استاد مشاور. محصول سخن اینکه، کمابیش با مرحوم اسلامی ندوشن ملاقات داشتیم و برای من این ملاقات خاطره‌انگیز و پرشکوه بوده است.

وی ادامه داد: ای کاش اسلامی‌ها دیرتر این دارفانی را بدرود می‌گفتند؛ چون می‌توانستند آثار فاخرتر از خود به جای بگذارند، ولی به قول ابوالفضل بیهقی این در بر همه بسته‌اند. من وجود چنین شخصیتی را به ایران تبریک می‌گویم و یاد او را برای همیشه تا جایی که زنده‌ام، در قلب خودم گرامی می‌دارم. امیدوارم روحشان در مینو قرین رحمت الهی قرار بگیرد.

■ادبیات را عامل پیوند جوامع بشری می‌دانست

مسعود میری شاعر، نویسنده، پژوهشگر و منتقد حوزه فرهنگ و صاحب کتابی چون «جادوی قصه‌ها در هزار و یک‌شب»، نیز به مناسبت درگذشت زنده‌یاد محمدعلی اسلامی ندوشن، چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی یادداشتی به قرار زیر در خبرگزاری مهر منتشر کرده است:

محمدعلی اسلامی ندوشن مردی کهن بود. در لفظ دری چراغی می‌یافت که ریاح و یزشن همپرسه‌گی ملتی روشن‌بین را نشان دهد. او به حقیقت دانسته بود که در این پهن‌جای خشک و بی‌آب و علف، آنچه ما را مبقی و پایدار نگه خواهد داشت، روشن نگه داشتن یک چراغ اتصال است.

برای ندوشن، این آتش پیوندگر نژاد و نسب و مذهب و قومیت نبود، چیزی از جنس تفاخر نبود، بل امری تمدنی و اتصالی بود که حاصل الفت همه آن چیزها بود و حامل عداوت آنها نه!

وی می‌افزاید: او به راستی می‌دانست که سرزمین‌های دور و نزدیک، اگر گِرد آتشی کهن جمع نشوند، چونان غبار سُم اسپ غارتیان بر مغاک فروپاشی فرو خواهند نشست و برگ و بار رستگاری در باغ دیده دیارشان نخواهد رُست. خاست و خیز هر ملتی در گرو خیزش معنوی و فکری مردمان اوست و خواست بلندآوازگی و شادکامی، روی آوردن به مقصد تمدنی بزرگ است که جز جمع آمدن زیر یک خیمه اجتماع راهی دیگر نیست. ندوشن دیگر نیست. ما میراث او را در دست داریم و تمنای او چه بسا چنین بوده باشد که رؤیای او را در دل به آغوش کشیم. رؤیای حاصل کردن مؤلفه‌های انسانی در دنیای واقعی، به منظور نیل به تمدنی که مردم باشند این تاریخ و فرهنگ سزاوار آنند، هر چند فاصله‌ای دهشت‌بار از آن رخ داده باشد. خاک چنان در بر گیرد تن پُر کلمات او را که میان وی و ما فاصله‌ای جز مرگ نباشد. نامش و درنگ جانانش از چشم و جان ما دریغ مباد.

■باور به عظمت ادبیات ایران

محمدجواد گودینی نویسنده کتاب‌هایی چون «صعود و سقوط ادبیات سیاسی در عصر بنی‌امیه»، «تاملی بر زندگانی ابوالاسود دؤلی و شرح گزیده اشعارش»، «چهل حدیث در ستایش حسن خلق» نیز در یادداشتی که در خبرگزاری مهر منتشر شده اینگونه به درگذشت مرحوم اسلامی ندوشن واکنش نشان داده است: استاد فقید دکتر اسلامی ندوشن پس از بازنشستگی ارتباط خویش را با دانشگاه تهران و دیگر محافل علمی و آکادمیک قطع نکرد و در کنار تألیف و نگارش مقالات و کتاب‌های ارزنده در زمینه حافظ پژوهی، فردوسی شناسی، ادبیات، فرهنگ و تمدن ایران کهن و... با دانشگاه تهران در ارتباط بود و در مقطع دکتری، دروسی همچون مکتب‌های ادبی جهان را تدریس می‌کرد و دانشجویان را با سخنان شیرین و نغزش با ادبیات سرزمین‌های دیگر و مکتب‌های ادبی آشنا می‌ساخت.

به یاد دارم در جلسه‌ای که به پاس زحمات و خدمات اساتید پیشکسوت ادبیات پارسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی تشکیل شد، استاد اسلامی ندوشن در سخنانی اظهار داشت آنچه ادبیات انگلیسی را میان ادبیات‌های جهان برجسته کرده، وجود ادیب و شاعری بزرگ به نام ویلیام شکسپیر است؛ ادبیات اسپانیایی نیز با سروانتس شهرتی برای خود در میان ادبیات‌های جهان باز کرده و ادبیات ایتالیایی نیز با دانته شکوفا شد، اما هر کدام از این ادبیات مهم و نامدار جهانی، تنها یک چهره شاخص داشته و شهرت خود را وامدار آن چهره شاخص و برجسته است؛ اما در شکوه و برجستگی ادبیات پارسی همین بس که این ادبیات درخشان به تنهایی چهار چهره نامور و جهانی را در خود پرورانده است:

حکیم ابوالقاسم فردوسی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مصلح‌الدین سعید شیرازی و لسان‌الغیب حافظ شیرازی. از این‌رو ادبیات پارسی (حتی اگر چهره‌های برجسته و نامور دیگری همچون سنایی، عطار نیشابوری، نظامی گنجوی و... را نیز لحاظ نکنیم) به تنهایی چهار نماینده ارجمند و بزرگ دارد که در ادبیات جهان تأثیری شگرف برجای نهاده و آثارشان نیز به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده‌اند. مهم این است که این آثار در حرکت ادبی ملت‌های دیگر هم تأثیرگذار بوده‌اند؛ از این جا می‌توان ارزش و اهمیت ادبیات پارسی در میان ادبیات‌های دیگر جهانی را درک کرد و به جایگاه والای ادب پارسی در دنیا پی‌برد.

■ذهنیت جمعی از ایرانی‌ها شکل داد

کامیار عابدی نویسنده، پژوهشگر و منتقد شعر معاصر فارسی نیز در پی درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن درباره این استاد زبان و ادبیات فارسی به ایسنا می‌گوید: دکتر اسلامی زمانی که در نیمه دهه ۱۳۲۰ شروع به فعالیت‌های ادبی کرد، با شعر و شاعری شروع و تک‌وتوک داستان‌های کوتاهی هم می‌نوشت اما در ابتدا به عنوان یک شاعر نوگرا شناخته شد، شاعر نوگرایی که نوگرایی‌اش اعتدالی بود و می‌شود گفت جزو فکر یا حلقه‌ای بود که در مجله سخن ترویج می‌شد. چند سالی در حوزه شعر فعالیت کرد اما بعد از این‌که تحصیلات خود را در فرانسه تا اخذ درجه دکتری به پایان برد و به ایران بازگشت، تقریباً از شعر دور شد و می‌شود گفت فعالیت ادبی را به نثرنویسی منحصر کرد.

وی سپس افزود: اسلامی نثرنویسی را به دو صورت پیش می‌برد؛ یکی نثرنویسی به صورت ترجمه آثار داستانی یا آثار مختلفی از غربی‌ها و دیگری این بود که خود شروع به نگارش مقالاتی در تحلیل آثار ادبی و مقالاتی که جنبه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی داشت، کرد. هرچه جلوتر می‌آییم در دهه ۱۳۴۰، مقالات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در آثارش بیشتر می‌شود. همچنین در این سال‌ها شروع به تألیف تحلیل‌های ادبی به صورت مقاله و سپس به صورت کتاب می‌کند. با اینکه در دهه ۳۰ و ۴۰ و حتی تا اوایل دهه ۵۰ داستان‌ها و نمایشنامه‌هایی هم از او منتشر می‌شود، هرچه جلوتر می‌آییم دکتر اسلامی ندوشن به نگارش نثر غیرداستانی یا nonfiction یا غیرتخیلی می‌پردازد. اما به نظر می‌آید اسلامی ندوشن در نوشتن آثار غیرداستانی از تخیل داستانی و قریحه داستان‌نویسی و شاعری‌اش هم بهره می‌گیرد. می‌توان گفت از دهه ۵۰ تا زمان ما، این وجه از آثار اسلامی، آثار غیرداستانی و تحلیل ادبی درباره آثار ادبی کهن و عمدتاً شاهنامه پررنگ است. البته او از توجه به مولانا و حافظ غافل نمانده است.

> یکی از دلبستگی‌های همیشگی اسلامی ندوشن که در نوشته‌های او بازتاب می‌یافت، ایران بود. او از آن روی که ایران را ارج می‌نهاد همواره می‌کوشید تنگناهایی را که این سرزمین سترگ به آن دچار است، بشناسد و بکوشد که راهی برای رهایی از آنها بیابد و فراپیش خوانندگان بنهد تا بتوانند این تنگناها و دشواری‌ها را از میان بردارند

عابدی ادامه می‌دهد: همچنین در میان آثار او، آثار تحلیلی مختلفی هم به صورت کتاب و مقاله با محوریت مسائل اجتماعی و فرهنگی بدون اینکه وارد حوزه سیاست شود و گاهی هم یک نگاه تاریخی در همه آنها لحاظ شده وجود دارد. این قسمت از آثار دکتر اسلامی همراه تحلیل‌های ادبی‌اش، بخش وسیعی از کتاب‌ها و تألیفاتش را از دهه ۴۰ به خصوص از دهه ۵۰ به این طرف در برمی‌گیرد. به جرئت می‌توانم بگویم در میان معاصران به ندرت کسی پیدا می‌شود که با آثار غیرداستانی توانسته باشد این همه تألیف به لحاظ کمی و کیفی در سطح بسیار بالا داشته باشد که خوانندگان هم از آن استقبال کرده باشند. به آثار دکتر اسلامی که توجه می‌کنیم، می‌بینیم آثار غیرداستانی ایشان، یعنی آثار تحلیلی در حوزه ادبیات یا آثار تحلیلی درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی و تاریخی با شمارگان بسیار بالایی چاپ شده و در طول ۶۰ سال اخیر، بارها و بارها تجدید چاپ شده‌اند. به نظر می‌رسد می‌توانیم دکتر اسلامی ندوشن را یکی از شکل‌دهندگان ذهنیت بخشی از ایرانی‌ها نسبت به فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران در طول این ۱۰۰ ساله بدانیم. به‌خصوص تصویرهایی که ایشان از شاهنامه و کلیت ادبیات فارسی داشته و همچنین نگاه تاریخی به مسائل اجتماعی و فرهنگی در ذهن ایرانیان ۶۰ ساله اخیر بسیار تأثیرگذار بوده و تعداد زیادی از مخاطبان و علاقه‌مندان در طول این سال‌ها با حال و هوا و نوع فکر دکتر اسلامی به جهان ادبیات و فرهنگ و ایران نگاه می‌کنند که در حد خود بسیار تأثیرگذار بوده است.

این منتقد شعر درباره وجه شاعری محمدعلی اسلامی ندوشن نیز توضیح داد: اگر اشتباه نکنم قدیمی‌ترین شعری که از ایشان منتشر شده، مربوط به سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ است. در آن دوره یک جریان شعری نوگرا تحت تأثیر رمانتیسیسم فرانسوی شکل گرفته بود که در آن طبیعت‌ستایی و شعرهای عاشقانه و تغزلی و گاه با ته‌رنگ مسائل اجتماعی در قالب چهارپاره یا شعر آزادی که چند قدم با شعر نیمایی فاصله دارد، وجود داشت. این نوع شعر در آن سال‌ها مورد پسند جامعه بود و به تعبیر برخی از پژوهشگران اینها پلی بودند بین شعر سنتی و شعر نیمایی. فریدون توللی قبل از دکتر اسلامی به این نوع شعر رو کرده بود، گلچین گیلانی هم به این نوع شعرها توجه کرد و بعد از دکتر اسلامی، شاعرانی مانند فریدون مشیری و نادر نادرپور و چند تن دیگر به این فکر افتاده و این نوع ادبی را به نحوی ادامه دادند. در همین راستا، احمد خواجه‌ایم، عضو هیئت علمی دانشگاه و از شاگردان سابق دکتر اسلامی ندوشن در دانشگاه تهران به ثبت گوشه‌ای از خاطرات خود از آن استاد فقید در خبرگزاری تسنیم پرداخته است:

استادی دقیق و عمیق و زباندان و خوش قلم و ایراندوست بود. در سال ۷۴ که در دانشگاه تهران توفیق شاگردی ایشان را در دوره دکتری یافتم دانشجویان را وادار کرد که بر «روزها»یش نقد بنویسند و همین بهانه‌ای شد تا دوباره روزها را دقیق‌تر و عمیق‌تر مطالعه کنم سپس تمامی آثار ایشان را که واقعاً قلمی روان و شیوا داشت به مطالعه بگیرم اگر چه برخی را پیش از آن زمان خوانده بودم و این روان نویسی و پخته گویی موجب شده که بیشتر کتاب‌های ایشان چاپ‌های متعدد و مکرر خورده است.

■قطعه بزرگی از پازل ادبیات فارسی معاصر

محمدجعفر یاحقی، پژوهشگر و استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز معتقد است که محمدعلی اسلامی ندوشن در کنار امثال زریاب خویی، خانلری و ژاله آموزگار از قطعه‌های اصلی فرهنگ و ادبیات معاصر کشورمان است که فقدانش خلأ بزرگی محسوب می‌شود.

وی به ایبنا می‌گوید: اسلامی ندوشن شخصیت برجسته‌ای بود که ورد زبانش ایران و فرهنگ بود و یک دم از تلاش در راستای اعتلای نام ایران و فرهنگ این مرز و بوم دست برنداشت. وی با اینکه حقوق خوانده بود در دانشگاه تهران ادبیات تطبیقی تدریس می‌کرد، در جوانی شعر می‌گفت ولی بعد از شعر به نویسندگی تمایل پیدا کرد و ۴۰ اثر بی‌نظیر را از خود به یادگار گذاشت.

این پژوهشگر با بیان اینکه در تمام آثار اسلامی ندوشن، علاقه بی‌مثالش را به تاریخ، فرهنگ و ادبیات مشاهده می‌کنیم، افزود: مسلماً آثار ادبی اسلامی ندوشن که از دل برآمده‌اند نامش را تا ابد جاودان نگه می‌دارد. نام بسیاری از آثارش مزین به نام ایران بود که یادآوری می‌کرد نباید وطن را فراموش کنیم و باید اندیشمند مسائل و دغدغه‌های کشورمان باشیم.

وی تصریح کرد: ادبیات معاصر ما شخصیت‌های بزرگی را به خود دیده که هر یک قطعه‌ای از پازل فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و درست در جای خود قرار گرفته و ماندگار شده‌اند و فرهنگ و ادبیات معاصر ما هیچ گاه امثال زریاب خویی، مرتضوی، خانلری و لاله آموزگار را فراموش نمی‌کند. اسلامی ندوشن نیز در جاده فرهنگ و ادبیات معاصر هم اندیشه و هم هدف را با این بزرگان ولی راه مستقل و بی‌مانندی طی می‌کرد که کس نرفته بود و نخواهد رفت. من اسلامی ندوشن را مرد ایران و فرهنگ می‌نامم.

■باوری استوار به توانمندی ایرانیان داشت

میرجلال‌الدین کزازی، استاد دانشگاه و پژوهشگر، نیز با اشاره به خدمات زنده‌یاد ندوشن در گفت‌وگو با تسنیم به این نکته اشاره می‌کند که: روانشاد دکتر اسلامی ندوشن یکی از چهره‌های تابناک در فرهنگ ایران این روزگار شمرده می‌شود. از ویژگی‌های آن استاد فرخ‌نهاد که یادش نیکو باد، این است که شیوه نگارش آن بسیار گیراست، به‌گونه‌ای که خواننده را وامی‌دارد که نوشته او را از آغاز تا انجام پی بگیرد و بخواند.

کزازی گفت: یکی از دل‌آویزترین یادگارهای او سفرنامه‌هایی است که نوشته است. او به شهرهای بسیار برای سخنرانی راه می‌برد و این انگیزه می‌شد که آنچه را در شهرها می‌دید و می‌شنید، به نوشتار درآورد و سفرنامه‌ای فراپیش خواستاران بنهد، هر کدام از این سفرنامه‌ها به داستانی دلکش و خواندنی می‌ماند.

وی درباره دلبستگی اسلامی ندوشن به ایران نیز گفت: یکی از دلبستگی‌های همیشگی او که در نوشته‌های او بازتاب می‌یافت، ایران بود. او از آن روی که ایران را ارج می‌نهاد همواره می‌کوشید تنگناهایی را که این سرزمین سترگ به آن دچار است، بشناسد و بکوشد که راهی برای رهایی از آنها بیابد و فراپیش خوانندگان بنهد تا بتوانند این تنگناها و دشواری‌ها را از میان بردارند.

به گفته کزازی او باوری استوار به توانمندی ایرانیان داشت و می‌کوشید آنان را با نوشته‌های خود به آگاهی برساند تا بکوشند ایران را به آن فرمندی که از آن برخوردار می‌توانند بود، برساند.

این استاد دانشگاه درباره نسبت اسلامی ندوشن با زبان فارسی نیز به این نکته اشاره می‌کند که برترین کار روانشاد اسلامی ندوشن در پیرنگ با زبان فارسی این است که کوشیده است در نوشته‌های خود نمونه‌های بسیار دل‌انگیز از این زبان را به دست دهد و توانایی‌های زبان فارسی را در این نوشته‌ها آشکار دارد.

گفت‌وگو

روزنامه نگار فرانسوی:

مردم فرانسه زیر نفوذ دروغ رسانه‌ها هستند

ژان میشل آپاتی Jean- Michel Aphatie ستون نویس و روزنامه نگار حوزه سیاسی است که چندی پیش به یک برنامه زنده تلویزیونی از شبکه RTL دعوت شد و حرف‌های تند وتیزی درباره رسانه‌های فرانسه زد که مانند سیلی محکمی به دروغ و ریاکاری بی‌حد وحصر نظام حاکم بود. وی در این برنامه به برخی منابع معتبر تاریخی فرانسه اشاره کرد که چطور بی‌شرمانه از سوی همین رسانه‌ها برای نسل‌های آینده تطهیر شده‌اند. ژان میشل آپاتی از معدود روزنامه نگاران سیاسی شجاع و جسوری است که آنچه را که خیلی‌ها به آرامی درباره آن حرف می‌زنند را با صدای بلند بیان می‌کند آن هم در آستانه انتخابات فرانسه که رسانه‌ها با دروغ پراکنی به دنبال انحراف افکار عمومی از واقعیات هستند.

میشل آپاتی می‌گوید: وقتی فردی مثل اریک زمور که مخالف سرسخت مسلمانان است با نگرانی می‌گوید در فرانسه تعداد مسلمانان و عرب‌ها زیاد هستند خبر به خوبی دیده می‌شود و آن را انعکاس زیادی می‌دهند تا اذهان عمومی را حساس کنند و مراقب رشد جمعیت مسلمانان در فرانسه باشند که به مرور زمان هشدار دهنده است، اما در مقابل وقتی می‌گوییم جمعیت یهودی‌ها در فرانسه بسیار زیاد است، اصلاً رسانه‌ها انعکاس نمی‌دهند و شما خبر را در حاشیه جامعه قرار می‌دهید تا دیده نشود. زیرا رسانه‌ها هستند که انبوهی از خبرهای دروغ و غیرواقعی را به جامعه تزریق می‌کنند.

■ما فقط شعار اخلاقی می‌دهیم

آپاتی در این برنامه تلویزیونی گفت: من چیزی که به خودم مربوط می‌شود را نگاه می‌کنم جالب است ما خودمان را پدر اخلاق می‌دانیم! یک راهکار محترمانه و صادقانه چیزی است که در اغلب اوقات با انتقاد مواجه می‌شود. زندگی اجتماعی بدون اخلاق وجود ندارد مانند ماجرای دریفوس که یک مسئله اخلاقی است. ارتش آماده می‌شود که برای آلساس و لوریان بمیرد، دروغ می‌نویسد و از ارتش دفاع می‌کند می‌گوید: «ما به ارتش کاری نداریم اما اگر برای اخلاقیات باشد وارد عمل می‌شویم زیرا کسانی که برای مرگ آماده می‌شوند نمی‌توانند دروغ بگویند». خب با این دیدگاه شارلی‌ابدو هم خودش را پدر اخلاق می‌داند!

این روزنامه نگار و منتقد ادامه داد: دیودونه و آلن سورال محکوم به یهودی ستیزی هستند و رسانه‌ها آنها را بایکوت کردند شما هم در برنامه‌های خودتان آنها را نشان نمی‌دهید، اما وقتی اریک زمور فردی اسلام ستیز را دادگاه فرانسه محکوم می‌کند، فیگارو آن خبر را کار می‌کند، شبکه RTL آن را کار می‌کند... من به خوبی متوجه هستم پشت این قضیه چیزی است و برنامه‌های تلویزیونی و مطالب روزنامه‌ها سفارشی و دستوری هستند وقتی زمور از جمعیت بالای مسلمانان و عرب‌ها در فرانسه حرف می‌زند یک مرتبه همه رسانه‌ها آن را پوشش می‌دهند ولی درباره دیودونه و آلن سورال که متهم به یهودی ستیزی هستند هیچ خبری کار نمی‌شود من نمی‌خواهم بگویم تعصب روی دیودونه و آلن سورال دارم، بلکه احساس می‌کنم این بخشی از فرهنگ از بین رفته ماست.

■عملکرد فرانسه در الجزایر شرم‌آور بوده است

وی افزود: فرانسه کشوری با تاریخ کهن است ما می‌خواهیم ماه آینده در مورد الجزایر زیاد صحبت کنیم. مورخان به حضور فرانسه در الجزایر و نه جنگ الجزایر بلکه به رفتار ارتش اشاره می‌کنند که البته بسیار قدیمی است و مربوط به سال ۱۸۴۰ در الجزایر بوده و بحث تازه‌ای نیست، چون در منابع تاریخی یک کمپین مطبوعاتی اروپایی هم برای محکوم کردن اقدام ارتش فرانسه نسبت به کشتار گسترده مسلمانان در جریان فتح الجزایر وجود دارد همچنین کمپین مطبوعاتی در ژوئن ۱۸۴۵ و مناظره‌ای که در پاریس برگزار شد. جایی که وزیر دفاع وقت مارشال سولت باید به نمایندگان مجلس پاسخ می‌داد و از عملکرد ارتش فرانسه دفاع می‌کرد. در میان تمام سربازان فردی بود که هرگز از او حرفی زده نمی‌شود که من خودم کمی در مورد او صحبت می‌کنم، نامش لوئیس است که از مدرسه پلی تکنیک فارغ التحصیل شده است، درخشان‌ترین سرباز نسل خود و او برای جنگ نظریه پردازی می‌کرد و کسی بود که نظریه کشتار دسته جمعی را برای گرفتن زمین‌های بومیان الجزایری در الجزایر مطرح کرد. اما چرا من درباره دلاموریسی حرف می‌زنم، چارلز آندره ژولین که یکی از مورخان بزرگ است و برای عموم مردم کمتر شناخته شده گفته است که اعمال او از میان همه فرانسویان غیرانسانی‌ترین است، طرفدار کشتن مردان جنگنده و زنان و کودکان بود و به لویی جوشو دستور داده بود همه آنها را بکش! و امروز این پدر اخلاقیات مرا شوکه کرده چون یک مهدکودک به نام او در پاریس نامگذاری شده است و والدین فرانسوی هر روز صبح پسران و دختران خود را در مدرسه «دلاموریسی یر» واقع در منطقه ۱۲ پاریس رها می‌کنند. شما فکر می‌کنید با این وضعیت، فرهنگ ما به جایی می‌رسد؟! بله من رسانه، پدر این اخلاق لعنتی و آنچه مرتبط به این لعنتی است، هستم.

این سخنان تند و انتقادی ژان میشل آپاتی در برنامه زنده تلویزیونی هنگامی بود که فرانسه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داشت و با کاهش اقبال عمومی برای رأی دادن مواجه بود، این در حالی است که انبوهی از کانال‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی در سیطره دروغ رسانه‌ها قرار دارند و سخنان تکان دهنده این روزنامه نگار و سردبیر فعال و شناخته شده سروصدای زیادی به‌راه انداخت.